

## ترجمهٔ افعال ناقل

از انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی

محمدعلی مختاری اردکانی

فعل ناقل فعلی است که قولی را بیان می‌کند و از نظر معنایی دو لایه است به این معنی که دربردارندهٔ دو فعل عام و خاص می‌باشد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

1. "I'll kill you," he threatened.
2. "Can I borrow this reference book?" he enquired.
3. "She was here a minute ago." he mumbled.
4. She frowned "No".

در مثال ۱ فعل threaten هم دربردارندهٔ فعل عام "گفتن" است و هم فعل خاص "تهدید کردن". در مثالهای ۲، ۳ و ۴ فعل ناقل علاوه بر فعل عام "گفتن"، دربردارندهٔ افعال "پرسیدن"، "مین‌مین کردن"، و "آخم کردن" نیز می‌باشد.

افعال ناقل در زبانهای فارسی و انگلیسی و احیاناً زبانهای دیگر وابسته به فرهنگ زبان مربوطه هستند و در اینجا با ساپیر-ورف و لاتمن هم‌زبان می‌شویم که "هیچ زبانی نیست که در متن و بطن فرهنگ غوطه‌ور نشده باشد و هیچ فرهنگی نیست که ساختار زبان طبیعی را در مرکز خود نداشته باشد" (MacGuire 1991:14).

درحالی‌که زبان فارسی صیغه‌های مختلف فعل عام گفتن را به کار می‌گیرد و بقیه را به تخیل خواننده/شنونده وامی‌گذارد، انگلیسی و بعضی دیگر از زبانهای اروپایی علاوه بر فعل عام "گفتن"، کیفیت و نحوهٔ گفتن را نیز بیان می‌دارند. زبان فارسی به افراط می‌گراید و حتی برای افعال ناقل پرسیدن، جواب دادن و... گفتن را به کار می‌گیرد. درست است که گاهی از افعال ناقل مثل *آواز داد*، *بانگ زد*، *نقل است*، و *مرووی است* بهره می‌برد اما کاربرد آنها چنان محدود است که بیشتر می‌توان آنها را استثناء دانست تا قاعده.

ممکن است مترجمان کم‌تجربه، افراط در کاربرد افعال ناقل در انگلیسی را از مزایای این زبان تلقی کرده و سعی نمایند به خاطر رعایت امانت یا نوآوری تمام آنها را طبق النعل بالنعل ترجمه نمایند، غافل از اینکه خود سبک‌آموزان انگلیسی، علیه افراط در این مورد هشدار می‌دهند. می‌گویند: زیاد توضیح ندهید؛ شایسته نیست که همه چیز را بگویید. در کاربرد قید (مثلاً در جملهٔ *He replied grumblingly*)

کم گو باشید. بگذارید خود محاوره، نحوه یا کیفیت ادای فعل را بیان کند. دیالوگ گرانباژ از قیود بعد از افعالِ ناقل، آزار دهنده است. نویسندگان با تجربه نه تنها در کاربرد قیود افراط می‌ورزند بلکه نقل قولهای خود را با افعال توضیحی یا افعال لازمی که به‌طور متعدی به کار رفته است نظیر *he congratulated*، *he consoled* گرانبار می‌کنند. آنها این کار را ظاهراً با اعتقاد به این باور که کلمه *said* همیشه به پشتیبان نیاز دارد یا استادان هنر بدنویسی آن را تجویز کرده‌اند، انجام می‌دهند (Strunk and White 1972:68).

فارسی برخلاف انگلیسی که زبانی جسور، بی‌پرده و بی‌تکلف است مثل بعضی از زبانهای شرقی دیگر از جمله چینی و ژاپنی، بسیار مؤدب و پرتعارف و پرتکلف است. حتی افراد بی‌سواد و کم‌سواد در ایران زبانی بس مؤدبانه و تکلف‌آمیز به کار می‌گیرند. گفتمان کتبی و شفاهی آنها آکنده از **عرض کردها** و **فرمودها** است که حاکی از اظهار فروتنی از طرف گوینده و ادای احترام به مخاطب است.

این ادب واقعی یا تصنعی که ریشه در تاریخ و فرهنگ دارد، نه تنها در کاربرد افعال ناقل منعکس می‌شود بلکه در ردیف کردن عناوین و القاب (حضرت اجل اکرم افخم امجد...) و زدودن و کهداشتن خویش رخ می‌نماید. در متون دیوانی قدیمی گاهی بیش از یک دو جین القاب ردیف می‌کنند یا در برابر کلمه I انگلیسی تعداد زیادی واژه خودشکنانه و فروتنانه داریم نظیر: حقیر، فدوی، چاکر، جانثار، مخلص، دعاگو، بنده کمترین، اینجانب، اینجانبه، کمینه، کمترین و... در ترجمه‌هایی از متون انگلیسی به فارسی و بالعکس که تاکنون به‌عمل آمده دور و به غالب می‌باشد: مترجمان ناآگاه و کم تجربه افعال ناقل را طبق النعل بالنعل ترجمه می‌کنند در صورتی که مترجمان با تجربه و آگاه، چه ایرانی چه غیر ایرانی، خود آگاه یا ناخود آگاه، آنها را آزادانه و مطابق با طبیعت فارسی ترجمه می‌کنند.

هیوبرت دارک مترجم کتاب *سیرالملوک یا سیاستنامه* نظامی عیناً شش فعل ناقل **گفت** را در یک پارگراف تحت‌اللفظی ترجمه کرده است (Darke 1978:73) حال آنکه راس (J. Ross) در ترجمه *گلستان سعدی* به انگلیسی ۲ فعل ناقل از ۹ فعل را در سه پاراگراف آورده است. باز میرزا حبیب اصفهانی از قدیمی‌ترین و بهترین مترجمان ایرانی ۱۵ فعل ناقل را حذف کرده است و ۳ فعل ناقل دیگر را در ترجمه یک صفحه ونیم از *سفرنامه حاجی بابای اصفهانی* جیمز موریه تغییر داده است (میرزا حبیب ۱۳۵۵: صص ۷۷-۸۰) (متأسفانه متن فرانسه *حاجی بابا* را در دسترس ندارم تا معلوم شود تا چه حد مستقل عمل کرده و تا چه میزان تحت تأثیر مترجم فرانسوی به این کار دست یازیده است). برعکس، توجه فرمایید به ترجمه لفظ گرایانه سیروس طاهباز از دو فعل ناقل از *رمان اسب سرخ* اشتاین‌بک:

Judy's father moved over toward the one-box stall. "Come here," he **ordered**. (Steinkbeck 1976:10)

پدر جودی به سوی یکی از آخورها رفت و فرمان داد: "بیا اینجا" (طاهباز: ۱۳۵۵: ۱۱۱).

"He's getting to be almost a trick pony" he **complained**. "I don't like

trick horses..." (Steinbeck 1976:6)

پدرگله می‌کرد: "داره به ناتوی حقه می‌شه. از اسبای حقه خوشم نمی‌یاد" (طاهباز ۱۳۵۵:۱۲۱).

باری، عده‌ای از مترجمان لفظ گرا استدلال می‌کنند که برای انتقال سبک، این کار ضروری است. مترجمان فرهنگ‌گرا در نقطه مقابل قرار دارند. وقتی در زبان مقصد خلأ فرهنگی وجود داشته باشد باید از ترجمه لفظ‌گرایانه پرهیز کرد. اگر در ترجمه افعال ناقل عین لفظ نویسنده را ترجمه کنیم، ترجمه‌ای غریب و تصنعی به دست خواهیم داد و اگر افعال ناقل را به کلی نادیده بگیریم و همه را با صیغه‌های فعل عام گفتن ترجمه کنیم، ترجمه را بیش از حد ساده کرده‌ایم.

اینک راههایی برای ترجمه افعال ناقل پیشنهاد می‌شود:

وقتی از انگلیسی به فارسی ترجمه می‌کنید می‌توانید با توجه به نوع فعل ناقل به یکی از روشهای ذیل عمل کنید.

الف. فعل ناقل را حذف کنید. حذف فعل ناقل را می‌توان به دو طریق جبران کرد: با کاربرد (: یا صرف علائم نقل قول، بالاخص در جاهایی که گفتگوهای دو جانبه طولانی دارد (مثل رمانهای همینگوی)، یا با به کار بردن اسم گویندگان مخصوصاً در گفتگوی بین چند نفر که احتمال ابهام وجود دارد، مثل نمایشنامه. این شیوه‌ایست که میرزا حبیب اصفهانی در ترجمه حاجی بابا ابداع کرده است:

ارسلان سلطان: "تو چکاره‌ای؟"

امیر، با آوازی نرم و حزین: "بنده کمینه هیچ‌کاره."

ارسلان سلطان: "آخر هنر و پیشه‌ات چیست؟"

"آسیر و غلام شما شاعرم. می‌خواهید چه باشم؟"

یکی از ترکمانان ناتراشیده: "شاعر یعنی چه! شاعر به چکار می‌خورد؟"

"Who and what are you?" Said Arsalan Sultan.

"I", said the prisoner in a very subbued voice. "I beg to state, for the good of your service, that I am nothing; I am a poor man."

"What's your business?"

"I am a poet, at your service. What can I do more?"

"A poet!" cried one of the roughest of the Turkmans; "What is that good for?" (Morier 1974: 38-9).

ب. فعل ناقل را به عین لفظ ترجمه کنید.

He asked

پرسید

He asked softly

به نرمی پرسید

He called

صدازد

He asked shyly

شرمگین پرسید

He said disparagingly

به تحقیر گفت

ج. فعل ناقل را به فعل عام گفتن ترجمه کنید.

"That won't hurt you," Billy explained. "That's only a sign the rooster leaves."

به جوادی گفت: "چیزی نیست، این کار خروسه." (طاهباز ۱۳۵۵:۱۰۵).

د. وقتی فعل ناقل محذوف اما مستتر است آن را به گفت یا پرسید ترجمه کنید.

Billy understood his feeling: "It is too long. Why don't you call it Gabilan?"

بیلی باک احساس او را می‌فهمید. گفت: "خیلی درازه. چرا گابیلین صداش نکنی؟" (طاهباز ۱۳۵۵:۱۱۳)

Judy's mother put her head in the door. "What time do you think to be back Carl?"

مادر جوادی از میان در سرک کشید و پرسید: "کارل خیال داری کی برگردی؟" (طاهباز ۱۳۵۵:۱۰۵).

He frowned "No."

اخم کرد و گفت: "نه."

ه. فعل ناقل را با افزودن قید ترجمه کنید.

He whispered

نچواکنان گفت

He confided

رازدارانه گفت

He protested

به اعتراض گفت

He improvised

ارتجالاً گفت

He articulated

شمرده گفت

و. فعل ناقل را با عبارت قیدی ترجمه کنید.

He assured

با اطمینان گفت

ز. فعل ناقل را با عبارت توصیفی ترجمه کنید.

He retorted

در جواب گفت

He compared

در مقام مقایسه گفت

ح. فعل ناقل را به شبه‌جمله قیدی ترجمه کنید. این روش با زبان فارسی کمال غرابت را دارد و توصیه

می شود تا سر حد امکان از آن پرهیز کرد.

He shook his head "No." درحالی که سرش را به علامت نفی تکان می داد گفت "نه."

وقتی از فارسی به انگلیسی ترجمه می کنیم شیوه عام این است که صیغه های مختلف فعل عام گفتن را برحسب مورد و زمینه به یکی از افعال ناقل که در پایان گفتار آورده ایم ترجمه کرد و بعضی از افعال ناقل خاص دارای بار فرهنگی را برای حفظ حال و هوای سبک حفظ کرد. در ترجمه انگلیسی متن فارسی هر صیغه فعل خنثی گفتن را باید تعبیر و تفسیر و رمزگشایی نموده و طبق آن به یک فعل ناقل انگلیسی ترجمه کرد.

گفتیم: "چگونه ای در این حالت؟" گفت: "چه گویم؟" (فروغی ۱۳۶۴:۱۴۷)

I asked him "How do you now find yourself?"

He replied "What shall I say?" (Ross: 115-116)

بعضی از مترجمان متون کهن فارسی به قیمت پرگویی افعال را لفظ گرایانه ترجمه کرده اند.

Darab made answer in anger and unkindness, saying "..."

(Southgate 1978:12)

به جای "Darab raged"

Darab's wife wrote a letter to King Darab.

به جای Darab's wife wrote

They rebuked him saying "... " (Darke 1978:72)

به جای They rebuked

She approached Sultan Mahmud and made her complaint saying

"..." (Darke 1978:72)

به جای She petitioned to Sultan Mahmud "..."

I answered him and said "... " (Darke 1978:75)

به جای I answered "..."

در خاتمه توجه خوانندگان عزیز را به مکان افعال ناقل در زبان فارسی و انگلیسی جلب می نمایم. درحالی که افعال ناقل در زبان انگلیسی سه جایگاه آغازین، میانی و پایانی دارند، افعال ناقل فارسی صرفاً جایگاه آغازین دارند و همیشه در ترجمه از انگلیسی به فارسی باید آنها را در جایگاه آغازین آورد و در ترجمه از فارسی به انگلیسی برحسب زمینه و مناسبت از یکی از سه جایگاه بهره جست.

## منابع فارسی

- طاهباز، سیروس. (۱۳۵۴). *اسب سرخ*، تهران شرکت کتابهای جیبی.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۶۵)، گلستان سعدی، تهران، امیرکبیر.
- میرزاحیب اصفهانی، (۱۳۵۴)، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، تبریز، انتشارات حقیقت.

## منابع انگلیسی

- Darke, Hubert, 1978. tr. *The Book of Government or Rules for Kings, The Siyar-al-Moluk or Siyasat-nama of Nizam al-Mulk*. London, Routledge and Kegan Paul. xxiv+264pp.
- McGuire, S.B. 1991. *Trnalsation Studies*, Rev, Ed. London, Routledge. xxi+168pp.
- Morier, J. 1974. *Hajjibaba of Isphahan*. England, Oxford University Press. xxiii+456pp.
- Newmark, Peter. 1988. *A Textbook of Translation*. U. K. Prentice Hall International. xii+292pp.
- Ross, James, no d. tr. *Sa'di's Gulistan or Flower-garden*. Shiraz, Marifat Booksleers and publishers. 25 1pp.
- Southgate, Minoo. 1978. tr. *Iskandarnamah*. New York, Columbia Univ. Press. xiii+264pp.
- Steinbeck, John, 1976. *The Red Pony*. New York, Bantam Book. 120 pp.
- Strunk, Jr. W. and E. B. White, 1972. *The Elements of Style*. Macmillan Publishing Co. xiii+78pp.

## Appendix

## English Reporting Verbs

stipulate, suspect, protest, confide, agree, explicate, explain, define, argue, urge, enumerate, classify, compare, reason, exemplify, narrate, persuade, dissuade, demand, caution, warn, threaten, assure, swcar, offer, pray, curse, doubt, promise, stammer, stutter, bleat, ejaculate, shout, cackle, neigh, growl, snarl, chirp, howl, purr, groan, shriek, whin, bark, babble, grate, wail, huff, sob, pant, bellow, whisper, moo, neigh, crow, baa, bugle, reply, say, answer, continue, inquire, question, begin, conclude, address, order, command, bid, remark, observe, tell, quoth, lie, add, retort, think, meditate, muse, interrupt, remind, frown, smile, weep, chuckle, snigger, laugh, titter, scowl, cry, mourn, whimper, lament, beam, assent, giggle, guffaw, suggest, sneer, beg, appeal, claim, assert, chide, reproach, admit, reassure, confirm, greet, confess, wonder, comfort, condole, challenge, congratulate, announce, proclaim, assert, declare, accuse, complain, praise, sooth, insist, invite, howl, snort, exclaim, rumble, moan, gasp, roar, quave, cry, whimper, bray, snapup, thunder, hiss, sigh, hum, bemoan, mew, whistle, hoot, buz, beeb, croak, yell, sunffle, nasalise, murmer, grunt, coo.